

شناسایی عمده‌ترین چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن‌ها بر پایه تحلیل فرامتنی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

ابراهیم کلانتری^۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۹

چکیده:

بیانیه‌ی گام دوم، که از سوی رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی در تاریخ ۲۲ بهمن ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی ایران صادر شده است، منشوری راهبردی برای تعیین خط و مشی و استمرار حیات عزتمند انقلاب در چهره‌ی دوم بشمار می‌آید. به لحاظ محتوا می‌توان این بیانیه را حاوی سه بخش و در پاسخ به سه پرسش کلیدی دانست: ۱- انقلاب را چگونه و از کجا آغاز کردیم؟ ۲- راه طی شده کدام است و اکنون به کجا رسیده‌ایم؟ و ۳- نقشه راه آینده چیست و به کجا باید برسیم؟. افزون بر پیام‌های صریح، با استفاده از روش تحلیل فرامتنی بیانیه‌ی مذکور پنج اقدام مهم و سرنوشت ساز به منظور مقابله و دفع پنج چالش عمده‌ی پیش روی انقلاب اسلامی در گام دوم، قابل شناسایی است: ۱- شناخت دقیق انقلاب اسلامی، به منظور مقابله با چالش «تحریف و قلب حقیقت»، ۲- انتقال دقیق اصول و ارزش‌های انقلاب به نسل‌های آینده، به منظور مقابله با چالش «گسست نسلی انقلاب»، ۳- قرار گرفتن جوانان در محور انقلاب در گام دوم، به منظور مقابله با چالش «مقبولیت مردمی انقلاب»، ۴- امید و نگاه خوش بینانه به ظرفیت‌های درونی، به منظور مقابله با چالش «یأس و انفعال»، ۵- مدیریت جهادی، به منظور مقابله با چالش «ناکارآمدی».

واژگان اصلی:

انقلاب اسلامی، بیانیه‌ی گام دوم، چالش‌های پیش روی انقلاب، اقدامات

درآمد

بیانیه‌ی گام دوم، نقطه‌ی عطف تاریخی مهمی در تاریخ پرفراز و فرود انقلاب اسلامی ایران است که با زمان‌شناسی و اشراف کامل رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی نسبت به مسایل سیاسی، امنیتی، فرهنگی و اقتصادی داخلی، منطقه‌ای و جهانی، خطاب به عموم مردم ایران به ویژه جوانان صادر شده است. این بیانیه‌ی گرانسنگ تا کنون از زوایای مختلف و با رویکردهای متفاوت مورد توجه، مطالعه و ژرف‌اندیشی اندیشمندان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی قرار گرفته، و در پی آن آثار علمی ارزشمندی اعم از کتاب، مقاله، گزارش علمی از نشست‌ها و گفت‌وگوهای تخصصی پدید آمده است. این بیانیه از چنان اهمیتی در حیات امروز و آینده انقلاب اسلامی برخوردار است که می‌طلبد زوایای بیشتری از آن همچنان مورد کنکاش و پژوهش همه‌جانبه قرار گیرد. یکی از زوایای ژرف‌بینانه‌ی مذکور توجه دادن به مخاطراتی است که می‌توانند استمرار عزت‌مند و حیات‌الهام‌بخش انقلاب اسلامی را در آینده با چالش جدی مواجه سازند. جستجو و کشف این مخاطرات بر پایه‌ی تحلیل پیام‌های اصلی و آشکار و نهان بیانیه‌ی گام دوم و آرایه‌های راهکارهای عملیاتی و طراحی اقدامات مؤثر برای دفع آن‌ها یک ضرورت و تکلیف عینی است که باید مورد توجه همه‌ی اندیشمندان دلسوز و مسئولان خدوم و ارگان‌ها و دستگاه‌های ذیربط قرار گیرد. این نوشتار که از نوع کتابخانه‌ای است و به روش توصیفی، تحلیلی به انجام می‌رسد از چنین زاویه‌ای به مطالعه بیانیه‌ی گام دوم انقلاب می‌پردازد و در صدد است به این پرسش‌های بنیادی پاسخ دهد که اصلی‌ترین چالش‌های پیش روی انقلاب اسلامی براساس بیانیه‌ی گام دوم کدامند؟ و چه راهکارهایی می‌توان برای مقابله و دفع آن‌ها شناسایی و آرایه نمود؟ برای نیل به این منظور لازم است پیش از ورود به مسئله اصلی، مروری بر هویت انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های اصلی آن به عنوان چهارچوب نظری این پژوهش صورت پذیرد.

انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های اصلی آن

برای معرفی دقیق انقلاب اسلامی گویاترین و جامع‌ترین سخن، همان تعریفی است که رهبر کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی قدس سره از آن آرایه نموده‌اند: «شک نباید کرد که انقلاب اسلامی ایران از همه‌ی انقلاب‌ها جدا است؛ هم در پیدایش و هم در کیفیت مبارزه و هم در انگیزه انقلاب و قیام. و تردید نیست که این یک تحفه‌ی الهی و هدیه‌ی غیبی بوده که از جانب خداوند منان بر این ملت مظلوم غارت زده عنایت شده است» (امام خمینی، صحیفه امام، ۲۱، ۴۰۲). بررسی علل و

عوامل، خاستگاه، رهبری، شیوه و روش مبارزه و اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی اگر به درستی انجام گیرد، این نتیجه را در اختیار می‌گذارد که این انقلاب به لحاظ ماهوی واجد مؤلفه‌های منحصر بفردی است که آن را از همه انقلاب‌ها و خیزش‌های ملل جهان متمایز می‌کند. این مؤلفه‌ها باید در شناخت راستین و تحلیل دقیق انقلاب اسلامی از یکسو، و شناخت تهدیدات و چالش‌های پیش روی آن از سوی دیگر، مورد توجه دقیق و همه جانبه قرار گیرند:

۱- بر خواسته از اسلام اصیل

خاستگاه انقلاب اسلامی ایران، اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و آموزه‌های اصیل کتاب و سنت بوده است که از آغاز تا انجام بر همه زوایای پیدا و پنهان آن پرتو افکنده و این‌گونه از ظهور و بروز انحراف در مسیر طولانی انقلاب، چه پیش و چه پس از پیروزی، جلوگیری کرده است. این ویژگی گرچه برای اندیشمندان دینی و انقلابیانی که از نزدیک در جریان انقلاب حضور داشته و همچنین توده‌ی مردمی که به پیروی از مرجعیت دینی بار سنگین انقلاب را بر دوش کشیده‌اند، بدیهی و روشن می‌نماید، اما بسیاری از تحلیل‌گران و نظریه‌پردازان سیاسی جهان را که درک درستی از اسلام راستین نداشته‌اند، در تحلیل درست انقلاب اسلامی ایران با مشکل مواجه کرده یا به انحراف کشانده است. جان. دی. استمپل، وابسته سیاسی سفارت آمریکا در ایران در زمان وقوع انقلاب اسلامی و نویسنده کتاب «درون انقلاب ایران»، در بخشی از کتاب خود یکی از موانع عمده در پیشگیری از انقلاب اسلامی را عدم شناخت عامل مذهب در وقوع انقلاب می‌داند. وی می‌گوید: «سه عامل مانع از این بود که بتوان اطلاعات خام را با بازنگری به وقایع به طور مطمئن به قالب تصمیم ریخت. مورد اول مشکل شناخت ظریف مذهب به عنوان یک سلاح سیاسی بود. غربی‌ها، حتی کسانی که در ایران زندگی می‌کردند، از این موضوع بی‌اطلاع بودند که فشار و اضطراب ناشی از فساد و نابسامانی‌های اقتصادی می‌تواند در مسیر یک جنبش مردمی قرار گیرد. برای ایجاد انفجار، نمادهای اسلامی را مورد استفاده قرار دهد... مشکل تر از همه درک این امر بود که از یک جنبش مذهبی، جریان‌های سیاسی مثل نهضت [امام] خمینی شکل بگیرد. بررسی در عمیق‌ترین گوشه و زوایای ساختار سیاسی - مذهبی شیعه اسلامی به آسانی به دست نیامد. (استمپل، درون انقلاب ایران، ۴۰۹ و ۴۱۰).

حضور پر رنگ عنصر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم در انقلاب و سپس ساختار سیاسی جمهوری اسلامی، اصلی‌ترین مؤلفه‌ی بنیادی است که از ذهن و نگاه تنورسین‌ها و طراحان سیاسی جهان

به کلی پنهان مانده بود. در چنین وضعیتی که در حوزه‌های مختلف سیاست هم‌ی ذهن‌ها، فکرها، پژوهش‌ها، فرضیه‌ها و قلم فرسایی‌ها بر محور اندیشه‌های سیاسی مادی و منهای دین تمرکز یافته بود و لیبرال دموکراسی (Liberal Democracy) به عنوان نقطه نهایی آمال و آرزوهای بشر و پایان تاریخ قلمداد می‌گردید، بازگشت اسلام ناب به عنوان یک مکتب حیات بخش الهی به عرصه‌ی اداره جامعه و شکل‌گیری نظام جمهوری اسلامی بر اساس آن، پدیده‌ی سیاسی بزرگی به‌شمار می‌آید که هرگز نمی‌تواند از مرکز توجه همگان به ویژه اندیشمندان، پژوهشگران و تحلیل‌گران حوزه سیاست دور بماند. بی‌گمان شناخت و درک درست این مهم در گرو گذر زمان و مواجهه‌ی عملی بین اندیشه سیاسی اسلام ناب و اندیشه‌های مادی منهای دین در عرصه جهانی خواهد بود.

۲- برخوردار از رهبری الهی

حضور سرزنده‌ی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم در همه زوایای انقلاب اسلامی، بر پایه اجتهاد روشمند که به حق موتور محرک اسلام است (مطهری، ختم نبوت، ۶۹) و مرجعیت و راهبری فقیه و اسلام‌شناس جامع شرایط که در عصر غیبت امام معصوم علیه السلام وظیفه رهبری و هدایت امت اسلامی را بر عهده دارد، تضمین شده است. این ویژگی از یک سو موجب اطمینان خاطر و ثبات قدم توده‌های مردم انقلابی و از سوی دیگر موجب حفظ انقلاب از انحراف و همچنین برچیدن بن بست‌های نظری و عملی از مسیر انقلاب اسلامی شده است. رهبری پیامبرگونه‌ی امام خمینی قدس سره که در اندیشه و عمل تبلور عینی اسلام راستین در این عصر به‌شمار می‌آید، ویژگی حضور بی‌کم و کاست اسلام راستین را در همه‌ی مراحل انقلاب اسلامی تضمین نمود و این خود ویژگی دیگری برای این انقلاب رقم زد که آن را با انقلاب‌هایی که در تاریخ جهان پدید آمده‌اند، متمایز ساخت. خانم کدی، ایران شناس معروف آمریکایی در یکی از آثار خود بر این مطلب تأکید می‌کند که انقلاب ایران پدیده‌ای بود که حتی با الگوها و انتظارات کسانی که از اوضاع ایران به خوبی مطلع بودند، سازگار نبود. برای اولین بار بود که یک رهبر مذهبی جا افتاده، سردمدار پرشور یک انقلاب علیه حکومتی سلطنتی می‌شود. (کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ۲۵). میشل فوکو، فیلسوف فرانسوی که پیرامون انقلاب ایران به وفور سخن گفته است، در خصوص جایگاه رهبری امام خمینی در انقلاب اسلامی چنین می‌گوید: «شخصیت آیت الله خمینی پهلو به افسانه می‌زند. امروز هیچ رئیس دولتی و رهبر سیاسی، حتی به پشتیبانی همه‌ی رسانه‌های

کشورش، نمی‌تواند ادعا کند که مردمش با او پیوندی چنین شخصی و چنین نیرومند دارند (فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ۶۴).

حقیقت آن است که امام خمینی قدس سره قوت ایمان را با عمل صالح و اراده پولادین را با همت بلند و شجاعت اخلاقی را با حزم و حکمت و صراحت لهجه و بیان را با صدق و متانت و صفای معنوی و روحانی را با هوش‌مندی و کیاست و تقوا و ورع را با سرعت و قاطعیت و آبهت و صلابت رهبری را با رقت و عطوفت و خلاصه بسی خصال نفیس و کمیاب را که مجموعه‌ی آن در قرن‌ها و قرن‌ها به ندرت ممکن است در انسان بزرگی جمع شود، همه و همه را با هم داشت. الحق شخصیت آن عزیز یگانه، شخصیتی دست نیافتنی و جایگاه والای انسانی او جایگاهی دور از تصور و اساطیرگونه بود» (امام خامنه‌ای، حدیث ولایت، ۱، ۱۲ و ۱۳).

۳- مردمی بودن

مردمی بودن به معنای واقعی کلمه یکی دیگر از مؤلفه‌های بارز و مثال‌زدنی انقلاب اسلامی ایران است. گرچه احزاب و گروه‌های سیاسی متعددی با مرام‌های فکری و اندیشه‌های متفاوت در جریان مبارزات سیاسی انقلاب حضور داشته‌اند، اما تردیدی نیست که آگاهی، شناخت، جوشش و حرکت توده‌های میلیونی مردم ایران از همه طبقات و لایه‌های اجتماعی، به انقلاب اسلامی از آغاز تا پیروزی و پس از آن، به عنوان یک انقلاب صددرصد مردمی، هویت بخشید و مراحل گوناگون آن را با همین ویژگی به سرانجام رسانید. جان‌فوران از این ویژگی انقلاب اسلامی اینگونه سخن گفته است: «چار چوب نظری و پیامدهای تجربی مطالعه‌ی اخیر، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نیروهای اجتماعی دست‌اندرکار انقلاب، یکی دیگر از نمونه‌های ائتلاف شهری، مردمی و چند طبقه بوده‌اند. انقلاب با تظاهرات عظیم و گسترده مردم علیه حکومت همراه بود؛ تظاهراتی که بزرگ‌ترین جمعیت تاریخ بشری را به خیابان‌ها آورد» (فوران، مقاومت شکننده، ۵۶۷). مؤلفه‌ی مردمی بودن، فقط اختصاص به دوره شکل‌گیری انقلاب ندارد، بلکه ویژگی راسخ و هویت بخشی است که پس از پیروزی انقلاب و شکل‌گیری، استقرار و ثبات نظام جمهوری اسلامی و در همه فراز و فرودهای چهار دهه‌ی گذشته از نقاط قوت و متمایز انقلاب اسلامی به‌شمار آمده است. انقلاب اسلامی «بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را به گونه‌ی شگفت‌آوری ارتقاء داد. تحلیل سیاسی و فهم مسائل بین‌المللی در موضوعاتی همچون جنایات غرب بخصوص آمریکا، مسئله‌ی فلسطین و ظلم تاریخی به ملت آن، مسئله‌ی جنگ افروزی و رذالت‌ها و دخالت-

های قدرت‌های قلدر در امور ملت‌ها و امثال آن را از انحصار طبقه‌ی محدود و عزلت‌گزیده‌ای به نام روشنفکر، بیرون آورد؛ این‌گونه روشنفکری میان عموم مردم در همه‌ی کشور و همه‌ی ساحت‌های زندگی جاری شد و مسائلی از این دست حتی برای نوجوانان و نونهالان، روشن و قابل فهم گشت» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ و ۲۳).

۴- وجهه‌ی فرهنگی بارز

وجهه‌ی بارز فرهنگی انقلاب اسلامی ایران یکی از مؤلفه‌های اصلی آن به‌شمار می‌آید. بی‌گمان شکاف‌های طبقاتی، سر برآوردن کاخ‌های اشرافی در کنار حلبی‌آبادهای متراکم شهری و تبعیض‌های ناروا در توزیع ثروت ملی، پایه‌های سلطنت پهلوی را با تزلزل جدی روبه‌رو کرده بود؛ اما آنچه توده‌های میلیونی مردم را از طبقات مختلف اجتماعی به صحنه‌ی انقلاب اسلامی وارد و در این راه مصمم کرد، مقابله آشکار و ضدیت همه جانبه رژیم پهلوی با ارزش‌های اسلامی و فرهنگ و سنن ملی و وابستگی سیاسی و ترویج بی‌هویتی و بی‌بندوباری مفرط اخلاقی در جامعه آن روز ایران بود. به همین سبب اسلام خواهی، توجه به فرهنگ و ارزش‌های ملی، قطع وابستگی به شرق و غرب و استقلال و تکیه بر توان ملی و حاکمیت ارزش‌های الهی بر جامعه از ویژگی‌های اصیل فرهنگی انقلاب اسلامی ایران است که آن را از دیگر خیزش‌ها و حتی انقلاب‌های بزرگ جهان متمایز کرده است. برجستگی بُعد فرهنگی انقلاب اسلامی ایران باعث پیدایش نظریه‌ای در نظریه‌های عام انقلاب‌ها تحت عنوان «نظریه فرهنگی انقلاب‌ها» (شجاعیان، ۱۳۸۲) شده است. همین بُعد فرهنگی برجسته، موجب شده است که امروز شاهد نشر صدها کتاب و مقاله در سراسر جهان در باره‌ی انقلاب ایران باشیم که از منظر فرهنگی به تحلیل این انقلاب می‌پردازند، زیرا بر هیچ ناظری پنهان نیست که وجه غالب این انقلاب وجه فرهنگی آن است (مرتضوی امامی زواره و دیگران، منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، ۱۹ و ۲۰).

۵- در هم آمیختن دین و دنیا

مؤلفه‌ی بارز دیگری که انقلاب اسلامی ایران را بی‌بدیل و از خیزش‌ها و انقلاب‌های جهان متمایز کرده است، التزام همه‌جانبه و توجه هم‌زمان به سنت اصیل دینی از یک سو و روزآمدی و تجدد مبتنی بر علوم و دانش بشری از سوی دیگر است. «آن روز که جهان میان شرق و غرب مادی تقسیم شده بود و کسی گمان یک نهضت بزرگ دینی را نمی‌برد، انقلاب اسلامی ایران، با قدرت و شکوه پا به میدان نهاد؛ چهارچوب‌ها را شکست؛ کهنگی کلیشه‌ها را به رخ دنیا کشید؛ دین و دنیا

را در کنار هم مطرح کرد و آغاز عصر جدیدی را اعلام نمود» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۲). این انقلاب در عین بازگشت و دعوت جهانیان به اسلام ناب و کتاب و سنت اصیل پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله و سلم و اوصیای پاکش علیهم‌السلام، خود را به برخورداری از همه پیشرفت‌ها و دستاوردهای علم و فناوری جدید متعهد کرده و نیل به مرزهای دانش بشری را سرلوحه‌ی برنامه‌ها و فعالیت‌های خود قرار داده است (کلانتری، ولایت فقیه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، ۱۶). «دشمنان اسلام این جور وانمود می‌کردند که دینداری با پیشرفت منافات دارد؛ با هم سازگار نیست. اگر ملتی بخواهد پیشرفت کند، باید از دین دست بکشد؛ باید برود به دامن غرب و خود را سرتاپا به رنگ غربی دربیورد تا بتواند پیشرفت کند. این را به عنوان یک باور در طول ده‌ها سال به ملت ایران تلقین کرده بودند. امام بزرگوار ما از اول انقلاب تا روز آخر و در وصیت‌نامه خود تأکید می‌کند که روح انقلابی روح حرکت به جلو است؛ روح ابتکار و نوآوری است و این در واقعیت ملت ایران هم تحقق پیدا کرد» (امام خامنه‌ای ۱۳۸۷/۳/۱۴).

۶- هدف قرار دادن آرمان‌های بلند بشری

برخاستن انقلاب از متن اسلام اصیل با برخورداری از رهبری الهی توسط مردمی که خود را در نظر و عمل مؤمن و ملتزم به آموزه‌های حیات بخش اسلام ساخته بود، نمی‌توانست و نمی‌تواند در حصار آرمان‌های مادی، محیطی، مقطعی و زودگذر محدود شود. به همین دلیل آرمان‌هایی که انقلاب اسلامی از آغاز تا کنون در افق نگاه بلند خود قرار داده آرمان‌هایی است که نه فقط مردم ستم کشیده‌ی ایران، که همه‌ی بشریت در بستر تاریخ در آرزو و جویای آن بوده است. آزادی، استقلال، عدالت، پیشرفت، اخلاق، برادری، خیرخواهی، یاری به مظلومان، ستیز با ظالمان و مستکبران و شعارهایی از این دست، که همواره در متن و مرکز توجه انقلاب اسلامی قرار داشته، همان قله‌های رفیعی است که آرمان‌های بلند انقلاب را در مرکز نگاه‌های جستجوگر جهانیان نشانده و میلیون‌ها قلب تپنده را از سراسر دنیا مشعوف خود ساخته است. تردیدی نیست که بخش عمده‌ای از حیات سرزنده و پویایی خیره‌کننده و قدرت و نفوذ جهانی انقلاب اسلامی معلول همین آرمان‌های انسانی و جهانی است که هیچگاه نمی‌تواند از متن آرزوهای فطری بشر حذف و یا رنگ کهنگی به خود بگیرد. «برای همه چیز می‌توان طول عمر مفید و تاریخ مصرف فرض کرد، اما شعارهای جهانی این انقلاب دینی از این قاعده مستثنا است؛ آن‌ها هرگز بی‌مصرف و بی‌فایده نخواهند شد، زیرا فطرت بشر در همه‌ی عصرها با آن سرشته است. آزادی، اخلاق، معنویت،

عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری، هیچ یک به یک نسل و یک جامعه مربوط نیست تا در دوره‌های بدرخشد و در دوره‌های دیگر افول کند. هرگز نمی‌توان مردمی را تصور کرد که از این چشم‌اندازهای مبارک دل زده شوند» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۱۳).

بر پایه همین مؤلفه‌های بنیادی ویژگی‌های اصیل است که می‌توان به‌حق ادعا کرد: در تاریخ معاصر جهان، انقلاب اسلامی پدیده‌ی بی‌همتایی است (آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ۶۵۳). در تاریخ ده هزارساله مکتوب انسان بر کره زمین، تنها پنج انقلاب بزرگ اجتماعی به معنای واقعی روی داده است: انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکبر روسیه، انقلاب دهقانی چین، انقلاب شهری کوبا و انقلاب اسلامی ایران. گرچه هزاران هزار شورش و قیام و نهضت در مناطق مختلف جهان در گذشته و حال واقع شده، انقلاب، به معنای فروریختن کامل نظام اجتماعی - سیاسی گذشته و برآمدن یک فرهنگ و سامانه جدید از میان مبارزات مردم، کمتر به نتیجه رسیده است. انقلاب ایران، بدون تردید، کامل‌ترین انقلاب از دید نظریه‌پردازان شورش‌های اجتماعی است (ملکی ۱۳۹۷، ۱۲). شواهد و نشانه‌های بسیاری در طول چهار دهه گذشته در منطقه و جهان نمود یافته که به روشنی گویای آن است که با انقلاب اسلامی، مسیر تاریخ سیاسی معاصر دگرگون شد، آموزه‌های وحیانی اسلام در متن تغییرات بنیادین جامعه نقش اصلی را بر عهده گرفت، جهان بار دیگر بازگشت و حضور سرزنده و مؤثر دین به عرصه‌ی حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها را به نظاره نشست و اسلام حقیقی که دیر زمانی به دلیل ضعف و خودباختگی مسلمانان و همچنین توطئه‌ها و تبلیغات سوء دشمنان در غبار ضخیم انزوا گرفتار آمده بود، به محور توجهات فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان معاصر تبدیل شد. «هنوز چند دهه‌ی دیگر لازم است تا خورشید منطق و حقیقت روشن انقلاب اسلامی از پس ابر سفسطه و ابهام خارج شود و عالم‌تاب گردد. این راهی است دشوار و پر از ایثار که طی کردن آن نصیب ملت ما و مایه فخر اوست. حقایق وقتی در عمل و واقعیت تثبیت شد دارای قدرت جهانگیر است و آن روز هم در پس کوه‌ها نیست» (طبری، کزراهه، ۱۴۱).

اکنون با درک و دریافت ماهیت اصیل انقلاب اسلامی و مؤلفه‌های اصلی آن، با نگاه دقیق‌تری می‌توان به شناسایی عمده‌ترین چالش‌های پیش روی انقلاب، به ویژه با تکیه بر بیانیه‌ی گام دوم پرداخت.

بیانیه‌ی گام دوم و محورهای اصلی آن

بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، بیانیه‌ای مکتوب و نسبتاً تفصیلی است که در تاریخ ۲۲ بهمن ماه ۱۳۹۷ به مناسبت چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی از سوی رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، آیت الله العظمی امام خامنه‌ای خطاب به ملت ایران صادر شده است. در یک نگاه کلان و به لحاظ محتوا می‌توان این بیانیه را حاوی سه بخش و در پاسخ به سه پرسش کلیدی دانست؛ ۱- انقلاب را چگونه و از کجا آغاز کردیم؟ ۲- راه طی شده کدام است و اکنون به کجا رسیده‌ایم؟ ۳- نقشه راه آینده چیست و به کجا باید برسیم؟. این بیانیه به لحاظ مدیریتی، یک بیانیه‌ی راهبردی است که اجزاء مختلف دخیل در انقلاب، یعنی آحاد مردم، مسئولان و مجموعه‌ی مدیریت‌های خُرد و کلان کشور را در برهه‌ی جدیدی از حیات سیاسی ایران اسلامی به پویشی فراگیر، جوششی امیدوار، عزمی راسخ و حرکتی جهادی و مبتنی بر تجربه‌ای گرانسنگ از اتکاء بر ظرفیت‌ها و توانایی‌های داخلی و مستظهِر به لطف و عنایت و توفیق خدادادی، برای آغاز «بخش دیگری از جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ»، فرا خوانده است. مقام معظم رهبری در این بیانیه‌ی راهبردی جوانان را مخاطب قرار داده و این بدان معنا نیست که دیگران در این برهه‌ی جدید تاریخی از هرگونه اقدام و تلاشی معاف می‌باشند، بلکه بدین معناست که در گام دوم انقلاب، جوانان امروز که به لحاظ جمعیتی شاکله اصلی جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به لحاظ تصمیم‌سازی در جایگاه‌های حساس کارشناسی قرار گرفته‌اند و به لحاظ مدیریتی به سرعت عهده‌دار مسئولیت‌های خُرد و کلان کشور می‌شوند، به طور طبیعی سگاندار و نقش‌آفرین این جهاد بزرگ در این برهه‌ی حساس خواهند بود. بی‌تردید قرار گرفتن جوانان در مرکز این جهاد بزرگ و توفیق آنان در برداشتن صحیح این گام در گرو هدایت‌ها، همراهی‌ها و پشتیبانی‌های مستمر فکری و تجربی نسلی است که خود از نزدیک و با همه‌ی وجود انقلاب اسلامی و فراز و فرودهای آن را لمس و تجربه کرده و خود در آن نقش آفریده است.

این بیانیه را در خوانشی دیگر می‌توان بیانگر عمده‌ترین چالش‌های پیش‌رو در چهره‌ی دوم از حیات انقلاب اسلامی نیز دانست. چنین درک و دریافتی مبتنی برتحلیل فرامتنی بیانیه‌ی مذکور می‌باشد که با شناسائی پیام‌های اصلی و محوری نهفته در آن امکان‌پذیر می‌گردد. نگارنده بر این باور است که بیانیه‌ی گام دوم افزون بر پیام‌های محوری صریح و آشکار، حامل پیام‌های اصلی نهفته‌ای نیز می‌باشد که در آن‌ها، به صورت توأمان از یکسو به مؤلفه‌های اصیل و ممتاز انقلاب اسلامی

توجه داده شده، و از سوی دیگر به آنچه در گام دوم باید مطمح نظر سکانداران انقلاب باشد تأکید شده است. برپایه چنین خوانشی، پیام‌های اصلی نهفته در بیانیه‌ی گام دوم از این ویژگی برخوردارند که بین مؤلفه‌های اصیل و بنیادین انقلاب اسلامی از یکسو، و آنچه باید در گام دوم به مرحله‌ی اقدام درآید تا بتواند به دفع چالش‌های پیش روی انقلاب در این مقطع زمانی بیانجامد از سوی دیگر، نوعی ارتباط و پیوستگی ارگانیکی برقرار می‌کند و هویت ذاتی و گذشته‌ی افتخارآمیز انقلاب را ساری و جاری در آینده و سرمشق آیندگان قرار می‌دهد. از خوانش و تحلیل بیانیه‌ی گام دوم از این منظر، پنج اقدام مهم و سرنوشت‌ساز به منظور مقابله و دفع پنج چالش عمده‌ی پیش روی انقلاب اسلامی در گام دوم، قابل شناسایی است که ادامه این نوشتار به طرح و تبیین آن‌ها اختصاص یافته است.

۱- شناخت دقیق انقلاب اسلامی، مقابله با چالش «تحریف و قلب حقیقت»

یکی از پیام‌های اصلی بیانیه‌ی گام دوم که در صفحات آغازین آن نیز انعکاس صریحی یافته، اهمیت خاص «شناخت دقیق انقلاب اسلامی» با همه‌ی مؤلفه‌های اصلی آن است. بدون تردید استمرار و حرکت پویای انقلاب اسلامی در چهله‌ی دوم آنگاه ممکن می‌گردد که قبل از هرچیز انقلاب اسلامی با همه‌ی هویت و مؤلفه‌های منحصر به فردش و همچنین راه طی شده در چهله‌ی اول به درستی و دقت شناخته شود. اگر این مهم به درستی به انجام نرسد، بی‌گمان انقلاب اسلامی با تهدید و چالش «تحریف و قلب حقیقت» روبرو می‌شود که در نوع خود از بدترین آفات یک انقلاب است. استاد شهید مرتضی مطهری در بیان این تهدید چنین می‌گوید: «ما تا انقلاب خودمان را دقیق نشناسیم، تا تمام ابعاد این انقلاب را نشناسیم نمی‌توانیم آن را در آینده حفظ و نگهداری، رهبری و هدایت کنیم. اگر نشناسیم، یک وقت می‌بینیم دانسته یا ندانسته تحریفش کرده‌ایم. مگر انقلاب صدر اسلام را بنی امیه با یک تردستی تحریف نکردند؟ یک انقلاب صد در صد اسلامی که چیزی که در آن وجود نداشت ریشه‌های قومی و نژادی و خونی بود، یک وقت دیدیم آن را به یک انقلاب قومی و نژادی و خونی تبدیل کردند و گفتند این، انقلاب عرب بود علیه غیر عرب، برای سیادت عرب بر غیر عرب بود؛ یعنی یک تحریف» (مطهری، مجموعه‌ی آثار، ۲۴، ۲۰۷). این تهدید که می‌توان آن را اصلی‌ترین تهدید و چالش پیش روی هر انقلابی و از جمله انقلاب اسلامی دانست همان واقعییتی است که رهبر فرزانه‌ی انقلاب در آغاز بیانیه‌ی گام دوم به صراحت از آن پرده برداشته‌اند: «برای برداشتن گام‌های استوار در آینده، باید گذشته را درست شناخت و از تجربه‌ها

درس گرفت؛ اگر از این راهبرد غفلت شود، دروغ‌ها به جای حقیقت خواهند نشست و آینده مورد تهدیدهای ناشناخته قرار خواهد گرفت. دشمنان انقلاب با انگیزه‌ای قوی، تحریف و دروغ‌پردازی درباره‌ی گذشته و حتی زمان حال را دنبال می‌کنند و از پول و همه‌ی ابزارها برای آن بهره می‌گیرند. رهزنان فکر و عقیده و آگاهی بسیارند؛ حقیقت را از دشمن و پیاده نظامش نمی‌توان شنید» (امام خامنه‌ای، بیانیه‌ی گام دوم، ۱۶ و ۱۷). مطالعه‌ی تاریخ انقلاب اسلامی، این نکته‌ی ظریف را در اختیار می‌گذارد که انقلاب اسلامی هیچگاه از تهدید «قلب حقیقت» به آشکال مختلفش، در امان نبوده است. تلاش استکبار جهانی و عوامل داخلی آن در روی کار آوردن لیبرال‌های غربگرا، احزاب و گروه‌های سیاسی متمایل به غرب، نفوذ در ارکان مدیریتی کشور، ایجاد تشکیک در مواضع جهانی انقلاب اسلامی، برافروختن و دمیدن در آتش فتنه‌ها و مسایلی از این دست، همگی از این زاویه قابل مطالعه و بررسی می‌باشند. بی‌گمان این تهدید یک چالش عمده پیش روی انقلاب اسلامی در گام دوم خواهد بود.

۲- انتقال دقیق اصول و ارزش‌های انقلاب به نسل‌های آینده، مقابله با چالش «گسست نسلی انقلاب»

درک و دریافت صحیح هویت اصیل و مؤلفه‌ها و ارزش‌های بنیادین انقلاب اسلامی توسط نسل حاضر، مقدمه‌ی لازمی است برای انتقال صحیح انقلاب به نسل آینده، یعنی نسلی که مسئولیت برداشتن گام دوم انقلاب اسلامی بر عهده‌ی اوست. توالی و تسلسل نسل‌ها یک واقعیت تاریخی است و همین واقعیت، تحولات اجتماعی و تاریخی را در جوامع انسانی رقم زده است. آنچه در این میان مهم و حیاتی است چگونگی انتقال اصول و ارزش‌های مورد قبول و باور نسل حاضر، به نسل بعد از خود است. بی‌گمان انتقال به ویژه آنگاه که مربوط به اصول و ارزش‌های اعتقادی و عملی باشد کار آسانی نیست، زیرا افزون بر جنبه‌ی نظری جنبه‌ی عملی و تجربی نیز دارد، یعنی باید بگونه‌ای صورت گیرد که بتواند نسل جدید را نسبت به آن اصول و ارزش‌های زیرساختی هم مؤمن و هم ملتزم به بار آورد. «در تاریخ هموار نسل‌ها پی درپی آمده‌اند و تحولات اجتماعی و تاریخی را رقم زده‌اند. این دگرگونی‌ها گاه رو به سوی رشد و تعالی داشته و گاه رو به افول و تباهی. بنابراین، انسان همواره در حال حرکت بوده و میان پدران و مادران از یک سو و فرزندان و جوانان از سوی دیگر فاصله و تفاوت‌هایی پدید آمده است. اگر فاصله میان نسل‌های جدید از نسل‌های پیشین در نقاط ضعف و کاستی‌ها باشد، بسیار پسندیده و حتی برای اعتلای جامعه ضروری است، اما اگر این فاصله‌ها از ویژگی‌های مثبت و ارزنده صورت گیرد، بی‌تردید سبب

زوال و افول جوامع می‌گردد» (مظاهری سیف، انقلاب اسلامی و نسل سوم، ۴۰). به نظر می‌رسد در هر انتقالی چهار رکن اصلی بدین قرار حضور دارند؛ ۱- آنچه قرار است انتقال یابد [=محتوا]، ۲- آن کس که قرار است انتقال دهد [=عامل انتقال]، ۳- آن کس که قرار است به او انتقال داده شود [=گیرنده]، ۴- وسایل و روش‌هایی که با آن‌ها انتقال صورت می‌گیرد [=ابزارها]. در موضوع انتقال اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی، ارکان و مؤلفه‌های ۱ و ۲ و ۳ روشن و شناخته شده‌اند، یعنی قرار است ارزش‌ها و اصول نظری و عملی انقلاب اسلامی توسط نسلی که خود با جان و دل انقلاب را پدید آورده به نسلی که قرار است مسئولیت گام دوم انقلاب را بر عهده داشته باشد، انتقال یابد. اما رکن چهارم انتقال، یعنی وسایل و روش‌هایی که بتوانند از عهده‌ی این اقدام حساس و ژرف برآیند، روشن و یا به راحتی قابل شناسایی و یا آنکه به دلیل پیچیدگی در دسترس همگان نیست. البته جریان‌های معارض داخلی و خارجی نیز که از اساس انقلاب اسلامی را با منافع و امیال شیطانی خود در تضاد می‌بینند با هجمه‌های فکری و فرهنگی گسترده روند انتقال را با مشکل روبرو می‌سازند. بدون تردید عدم انتقال دقیق و راستین هویت ممتاز و اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل‌های آینده می‌تواند این نسل‌ها را از درک و دریافت و استمرار صحیح این ارزش‌ها محروم نماید و این همان «گسست نسلی انقلاب» است که از تهدیدها و چالش‌های عمده‌ی پیش روی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌آید. توجه به همه‌ی بخش‌های بیانیه‌ی گام دوم، زمان صدور آن و تمرکز بر محتوای سه‌گانه‌ای که پیش از این به آن‌ها اشاره شد نشان می‌دهد که روح و آموزه‌ی محوری و به احتمال زیاد بخشی از انگیزه‌ی صدور این بیانیه‌ی راهبردی، عطف توجه نخبگان و دلسوزان انقلاب اسلامی به این چالش مهم در عبور از گام اول به گام دوم انقلاب اسلامی است. توجه به این نکته ضروری است که گسست نسلی انقلاب، نه فقط می‌تواند استمرار عزتمند انقلاب را با مشکل مواجه کند، که بالاتر از آن می‌تواند جریان سیاسی کشور را در جهتی عکس جهت انقلاب قرار دهد.

۳- قرار گرفتن جوانان در محور انقلاب در گام دوم، مقابله با چالش «مقبولیت مردمی انقلاب»

پیش از این گفته شد که مردمی بودن انقلاب اسلامی یکی از مؤلفه‌های اصلی آن به‌شمار می‌آید، تا آنجا که این انقلاب را در چشم جهانیان به عنوان مردمی‌ترین انقلاب تاریخ نشانده است. همین ویژگی یکی از اصلی‌ترین منابع قدرت نرم انقلاب اسلامی، چه در شکل‌گیری و چه در استمرار عزتمند آن نیز می‌باشد. به همین سبب از آغازین روزهای انقلاب تا کنون، بخش عمده‌ای از

تلاش‌های تخریبی و بی‌وقفه‌ی دشمنان بر شکستن همین رکن اساسی و محروم ساختن انقلاب از این پایگاه قدرت، متمرکز بوده است. از آنجا که تلاش‌های تخریبی، برشناخت و باور نسل اول انقلاب نمی‌تواند به صورت جدی مؤثر افتد، این نوع تلاش‌ها بیشتر بر نسل آینده، یعنی نسلی که قرار است حامل و محور و متولی اصلی انقلاب در گام دوم باشد تمرکز یافته است. ایجاد حجم عظیمی از شبهات در مبانی، اصول، ارزش‌ها، علل، کارآمدی، دستاوردها و پیشرفت‌های انقلاب اسلامی و همچنین هجمه‌های ناجوانمردانه نسبت به باورها و اصول اسلامی و مذهبی و ایجاد فتنه‌های کور در مقاطع زمانی مختلف، همگی از همین زاویه قابل تحلیل‌اند. این دست اقدامات که به منظور ایجاد تردید، تزلزل، بدبینی و در نهایت ضدیت و مقابله‌ی مردم نسبت به انقلاب طراحی و به اجرا گذاشته می‌شوند، هدف واحدی را دنبال می‌کنند و آن محروم ساختن انقلاب اسلامی از اصلی‌ترین منبع قدرت خود، یعنی مردم است. بدون تردید توفیق دشمنان در اینگونه اقدامات، می‌تواند انقلاب اسلامی را با «چالش مقبولیت مردمی» مواجه سازد و احتمال بروز چنین چالشی را در گام دوم انقلاب باید جدی‌تر گرفت.

تمرکز بیابیه‌ی گام دوم بر جوانان و مخاطب قرار دادن مستقیم آنان، افزون بر آنکه جوانان را به حضور جدی و مسئولانه در صحنه‌های گوناگون انقلاب فرا می‌خواند، بر این نکته‌ی اساسی نیز تأکید می‌کند که استمرار قدرتمند و عزتمند انقلاب اسلامی جز با حضور مسئولانه‌ی توده‌های جوان به عنوان منبع اصلی قدرت انقلاب، ممکن نخواهد بود. «راه طی شده فقط قطعه‌ای از مسیر افتخارآمیز به سوی آرمان‌های بلند نظام جمهوری اسلامی است. دنباله‌ی این مسیر که به گمان زیاد، به دشواری گذشته‌ها نیست، باید با همت و هشیاری و سرعت عمل و ابتکار شما جوانان طی شود. مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین و اخلاق و معنویت و عدالت، باید شانه‌های خود را به زیر بار مسئولیت دهند، از تجربه‌ها و عبرت‌های گذشته بهره‌گیرند، نگاه انقلابی و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی را به کار بندند و ایران عزیز را الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی بسازند» (امام خامنه‌ای، بیابیه‌ی گام دوم، ۳۰).

۴- امید و نگاه خوش‌بینانه به ظرفیت‌های درونی، مقابله با چالش «یأس و انفعال»

امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده، یکی از عوامل اصلی جوشش و حرکت فرد و اجتماع انسانی است. خیزش‌ها و انقلاب‌ها نیز به تبع قوت عوامل و بزرگی اهداف و بلندی آرمان‌های خود، تابع

همین قاعده‌ی کلی هستند. انقلاب اسلامی از آن جهت که برخاسته از ایمان و اسلام راستین و به دنبال اهداف الهی و نیل به آرمان‌های بلند انسانی بوده است از آغاز تا کنون با امید و جوششی وصف ناپذیر به سمت افق‌های روشن و آرمانی خود طی طریق کرده است. امام خمینی در نخستین گام‌های مبارزه با طاغوت با تکیه بر آیه شریفه: «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُم بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلِي وَفُرَادَى...» (سبأ/ ۴۶)، «قیام لله» را یگانه شیوه راستین مبارزه دانسته که خالق هستی از پیامبر خویش خواسته است که همه مؤمنان را به آن فراخواند (امام خمینی، همان، ۱، ۲۱). «قیام لله» مفهوم گرانسنگی است که در درون خود هم حرکت، هم جهت، هم هدف و هم شیوه را به صورت یکجا در اختیار مخاطب قرار می‌دهد و در همه این جهات هر گونه ناخالصی و انحرافی را می‌زاید (کلانتری، الگوی قرآنی مبارزه سیاسی در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی، ۱۰۳۴ و ۱۰۳۵). چنین مبارزه‌ای آنگاه که جامعه اسلامی در معرض ظلم، فساد، سلطه بیگانگان، حاکمیت طاغوت و یا اسلام ناب در خطر نابودی و یا تحریف و انحراف قرار گیرند از وظایف دینی مسلمانان شمرده می‌شود و به همین خاطر به معنی واقعی کلمه مبارزه‌ای مردمی است که از باورهای بنیادین و ایمان دینی آنان برمی‌خیزد (کلانتری، الگوی قرآنی مبارزه سیاسی در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی، ۱۰۴۶). بدون شک هر حرکت و اقدامی که در شمار تکالیف الهی فرد و جامعه قرار داشته و از ایمان و عقیده برخاسته باشد نمی‌تواند به سمت انفعال و یأس میل نماید و از جوشش و پیشرفت باز بماند. در چنین حرکتی، «اصلِ نصرت الهی» که قوی‌ترین نصرت‌هاست وعده‌ی قطعی خداوند و امید آفرین‌ترین عاملِ جوشش و حرکت بشمار می‌آید: «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد/۷). انقلاب اسلامی از آغاز تا امروز همه‌ی جوشش، ثبات، پویایی، شادابی، موفقیت و پیروزی خود را از همین اصل دریافت کرده است. در مقابله با این اصل بنیادی، دشمنان انقلاب لحظه‌ای از دمیدن روح یأس، انفعال و ناامیدی در دل‌های مصمم مردم باز نایستاده‌اند: «در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسنات بزرگ، برنامه‌ی همیشگی هزاران رسانه‌ی صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن

حرکت می‌کنند» (بیانیه‌ی گام دوم، ۳۳ و ۳۴). دشمنان با این حجم عظیم از یأس‌پراکنی می‌کوشند تا انقلاب اسلامی را با چالش یأس و انفعال نیروهای مردمی مواجه سازند و بدینوسیله انقلاب را از اصیل‌ترین منبع قدرت خود محروم نمایند. مقابله با این چالش آنگاه ممکن می‌گردد که جوانان به عنوان محور اصلی و پیشرانان انقلاب اسلامی در گام دوم، به طور همزمان نسبت به اصول و مؤلفه‌های اصلی انقلاب به درستی آگاه، از ایمان، التزام عملی به تکالیف و امید به وعده‌ی نصرت الهی برخوردار، و بر وجود منابع، استعدادها و ظرفیت‌های کم نظیر کشور واقف باشند. «نکته‌ی مهمی که باید آینده‌سازان در نظر داشته باشند، این است که در کشوری زندگی می‌کنند که از نظر ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، کم نظیر است و بسیاری از این ظرفیت‌ها با غفلت دست‌اندرکاران تاکنون بی‌استفاده یا کم استفاده مانده است» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۳۰ و ۳۱). «مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور، نیروی انسانی مستعد و کارآمد با زیربنای عمیق و اصیل ایمانی و دینی است. جمعیت جوان زیر ۴۰ سال که بخش مهمی از آن نتیجه‌ی موج جمعیتی ایجادشده در دهه‌ی ۶۰ است، فرصت ارزشمندی برای کشور است. ۳۶ میلیون نفر در سنین میانه‌ی ۱۵ و ۴۰ سالگی، نزدیک به ۱۴ میلیون نفر دارای تحصیلات عالی، رتبه‌ی دوم جهان در دانش‌آموختگان علوم و مهندسی، انبوه جوانانی که با روحیه‌ی انقلابی رشد کرده و آماده‌ی تلاش جهادی برای کشورند، و جمع چشمگیر جوانان محقق و اندیشمندی که به آفرینش‌های علمی و فرهنگی و صنعتی و غیره اشتغال دارند؛ این‌ها ثروت عظیمی برای کشور است که هیچ اندوخته‌ی مادی با آن مقایسه نمی‌تواند شد (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۳۱). از سوی دیگر: «ایران با دارا بودن یک درصد جمعیت جهان، دارای ۷ درصد ذخایر معدنی جهان است: منابع عظیم زیرزمینی، موقعیت استثنائی جغرافیایی میان شرق و غرب و شمال و جنوب، بازار بزرگ ملی، بازار بزرگ منطقه‌ای با داشتن ۱۵ همسایه با ۶۰۰ میلیون جمعیت، سواحل دریایی طولانی، حاصلخیزی زمین با محصولات متنوع کشاورزی و باغی، اقتصاد بزرگ و متنوع، بخش‌هایی از ظرفیت‌های کشور است؛ بسیاری از ظرفیت‌ها دست نخورده مانده است. گفته شده است که ایران از نظر ظرفیت‌های استفاده نشده‌ی طبیعی و انسانی در رتبه‌ی اول جهان است» (امام خامنه‌ای، بیانیه گام دوم، ۳۲).

۵- مدیریت جهادی، مقابله با چالش «ناکارآمدی»

انقلاب اسلامی با مؤلفه‌ی «در هم آمیختن دین و دنیا» و در هم آمیختن دیانت و سیاست، نظام سیاسی نوینی را در جهان معاصر پایه گذاری کرد که در صدد آبادانی دنیا و آخرت شهروندان خود به

صورت توأمان بوده است. بدون تردید این نظام باید بتواند «کارآمدی» خود را در برآوردن آنچه در صدد آن بوده است به اثبات برساند. کارآمدی حکومت که از آن تعاریف بسیاری شده است (رک: رضائیان، مبانی سازمان و مدیریت، ۱۹؛ آقابخشی و افشار، فرهنگ علوم سیاسی، ۴۶۶؛ معینی، فرهنگ واژه‌ها، ۲۱۱؛ لاریجانی، مشروعیت و کارآمدی)، از مباحث بسیار مهم در اندیشه سیاسی است و در بسیاری از نظام‌های سیاسی تعیین کننده‌ی میزان مشروعیت حکومت به‌شمار می‌آید. با این وجود در برخی از نظام‌های سیاسی که در آنها منشأ مشروعیت (مشروعیت اولیه) رأی مردم نمی‌باشد، کارآمدی نظام سیاسی نقش حیاتی در مقبولیت، ثبات و استمرار نظام سیاسی (مشروعیت ثانویه) دارد (کلانتری، کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن، ۴۶۷).

اگر چه کارآمدی نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی به دلیل ویژگی‌ها و مؤلفه‌های خاص خود، در جهاتی با کارآمدی در سایر نظام‌های سیاسی متمایز است، اما وجه مشترک آن با سایر نظام‌های سیاسی در حوزه‌ی کارآمدی آن است که باید بتواند در تأمین مقدمات، لوازم و اسباب مشروع و مناسب زندگی مطلوب مادی و معنوی و در خور شأن شهروندان خود موفق باشد و بدینوسیله مسیر نیل به رشد و کمال را برای آنان هموار نماید. در صورتی که نظام اسلامی همانند هر نظام سیاسی دیگری، به هر دلیل نتواند از عهده‌ی این مهم برآید، با چالش ناکارآمدی مواجه می‌گردد که در نوع خود یکی از چالش‌های عمده و مخاطره‌آمیز برای استمرار نظام‌های سیاسی به‌شمار می‌آید. راهکار اصلی مقابله با این چالش به کارگیری «مدیریت جهادی» در همه‌ی عرصه‌های مدیریتی کشور است که به حق بارها مورد تأکید رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی قرار گرفته و همه‌ی کامیابی‌های نظام اسلامی در چهار دهه‌ی گذشته مرهون آن بوده است: «مدیریت‌های جهادی الهام‌گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل «ما می‌توانیم» که امام بزرگوار به همه‌ی ما آموخت، ایران را به عزت و پیشرفت در همه‌ی عرصه‌ها رسانید» (امام خامنه‌ای، بیانیه‌ی گام دوم، ۱۹). مدیریت جهادی، که عبارت است: «از کار مبتنی بر ایمان، شناخت و انگیزه، خالص، پرتلاش، کم توقع، تکلیف‌گرا و توأم با صبر و ایثار»، برای انقلاب اسلامی که به لحاظ ماهیت و آرمان در شمار انقلاب‌های پیامبران و اولیاء الهی است و از سویی با دشمنان کینه توز و لجوج مواجه است، کارآمدترین نوع مدیریت در دنیای معاصر است. بی‌گمان پیمودن مسیر انقلاب و برداشتن استوار گام دوم، جز با مدیریت جهادی ممکن نیست و این همان حقیقتی است که رهبر حکیم انقلاب اسلامی بارها مسئولان مختلف کشور را بدان فرا خوانده‌اند: «با حرکت عادی نمی‌شود پیش رفت؛ با حرکت عادی و احیاناً خواب‌آلوده و بی‌حساسیت نمی‌شود

کارهای بزرگ را انجام داد؛ یک همت جهادی لازم است، تحرک جهادی و مدیریت جهادی برای این کارها لازم است. باید حرکتی که می‌شود، هم علمی باشد، هم پر قدرت باشد، هم با برنامه باشد، و هم مجاهدانه باشد» (امام خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). جوانان، که مخاطبان اصلی بیانیه‌ی گام دوم و محور اصلی انقلاب اسلامی در چهره‌ی دوم هستند، شایسته‌ترین نیروهای انسانی کشور بلحاظ استعداد، توانایی، تخصص، انگیزه، خلوص، ایثار و از خودگذشتگی برای این جهاد مقدس و مقابله با چالش ناکارآمدی نظام در این دوره زمانی به‌شمار می‌آیند.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران را مؤلفه‌های اصیل و منحصر بفردی، از همه‌ی انقلاب‌های جهان متمایز ساخته است. مؤلفه‌هایی همچون: ۱- برخواسته از اسلام ناب محمدی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ۲- برخوردار از رهبری الهی، ۳- مردمی بودن به معنی واقعی کلمه، ۴- وجهه‌ی فرهنگی بارز، ۵- درهم آمیختن دین و دنیا، ۶- هدف قرار دادن آرمان‌های بلند انسانی، عمده‌ترین مؤلفه‌های اصلی است که هویت واقعی انقلاب اسلامی را ممتاز و آن را در چهار دهه‌ی گذشته در محور توجه، بررسی و تحلیل عموم اندیشمندان حوزه‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جهان نشانده است. تردیدی نیست که تهدیدها و چالش‌های پیش روی چنین انقلابی به دلیل تمایز ماهوی آن با سایر خیزش‌ها و انقلاب‌های جهان، متمایز خواهد بود. این انقلاب با پشت سر گذاشتن چهار دهه‌ی پرافتخار و پرفراز و نشیب، اکنون به مرحله‌ی جدیدی گام گذاشته که اقتضات و تمهیدات خاصی می‌طلبد. صدور بیانیه‌ی گام دوم از سوی رهبر فرزانه‌ی انقلاب اسلامی، در حقیقت تمهید و اقدام هوشمندانه‌ای است متناسب با اقتضات و نیازهای این مرحله‌ی جدید. این بیانیه، که در نوع خود یک منشور مدیریتی راهبردی است از زوایای مختلف می‌تواند مورد تحلیل قرار گیرد. در یک خوانش و تحلیل فرامتنی می‌توان این بیانیه را یک فراخوان لازم برای توجه دادن و بسیج کردن همه‌ی دلسوزان انقلاب نسبت به پنج اقدام مهم و سرنوشت ساز به منظور مقابله و دفع پنج چالش عمده‌ی پیش روی انقلاب اسلامی در گام دوم دانست. این اقدامات بدین‌ترتیبند: ۱- شناخت دقیق انقلاب اسلامی، به منظور مقابله با چالش «تحریف و قلب حقیقت»، ۲- انتقال دقیق اصول و ارزش‌های انقلاب به نسل‌های آینده، به منظور مقابله با چالش «گسست نسلی انقلاب»، ۳- قرار گرفتن جوانان در محور انقلاب درگام دوم، به منظور مقابله با چالش «مقبولیت مردمی انقلاب»، ۴- امید و نگاه خوش بینانه به ظرفیت‌های درونی، به منظور مقابله با چالش «یأس و انفعال»، ۵- مدیریت جهادی، به منظور مقابله با چالش «ناکارآمدی».

منابع:

قرآن کریم

- امام خمینی، آیت الله سید روح الله موسوی، (۱۳۷۸)، صحیفه امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خامنه‌ای، آیت الله سید علی حسینی، (۱۳۹۷)، بیانی‌های گام دوم انقلاب، تهران، انتشارات انقلاب اسلامی.
- امام خامنه‌ای، آیت الله سید علی حسینی، (۱۳۷۷)، حدیث ولایت، چاپ دوم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- امام خامنه‌ای، آیت الله سید علی حسینی، (۱۳۸۷/۳/۱۴)، تهران، بیانات به مناسبت نوزدهمین سالگرد امام خمینی، سایت اینترنتی: dkhamenei.ir
- امام خامنه‌ای، آیت الله سید علی حسینی، (۱۳۹۲/۱۲/۲۰)، تهران، بیانات در جلسه تبیین اقتصاد مقاومتی، سایت اینترنتی: dkhamenei.ir
- آبراهامیان، یرواند، (۱۳۸۴)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، چاپ پانزدهم، تهران، نشر نی.
- آزادی، افشین؛ ترابی، محمد و حیدرپور، ماشاءالله (۱۳۹۹). «جمهوری اسلامی ایران و فضای مجازی؛ راهکارهایی برای حل چالش‌ها»، فصلنامه مطالعات دفاع مقدس، سال ششم، شماره ۳.
- استمپل، جان‌دی، (۱۳۷۸)، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ دوم، تهران، نشر رسا.
- آقابخشی، علی و مینو افشاری راد، (۱۳۸۹)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ سوم، تهران، نشر چاپار.
- جنیدی، رضا و ملائی، مسعود (۱۳۹۸). «راهبردهای مبتنی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در مقابله با قدرت هوشمند ایالات متحده آمریکا»، فصلنامه راهبرد سیاسی، دوره ۳، شماره ۸
- ذوعلم، علی، (۱۳۸۷)، تجربه‌ی کارآمدی حکومت ولایی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی.
- رضائیان، علی، (۱۳۷۹)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، سمت.
- زیبایی نژاد، مریم (۱۳۹۸). «احیای انگاره‌های مهم هویتی در پرتو انقلاب اسلامی ایران»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۹، صص ۱۸۷-۲۰۶.
- شجاعیان، محمد، (۱۳۸۲)، انقلاب اسلامی و رهیافت فرهنگی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- طبری، احسان، (۱۳۶۶)، کژراهه (خاطراتی از حزب توده)، چاپ دوم، تهران، امیرکبیر.
- فوران، جان، (۱۳۹۵)، مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران، ترجمه احمد تدین، چاپ شانزدهم، تهران، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فوکو، میشل، (۱۳۸۶)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند؟، ترجمه حسین معصومی همدانی، چاپ چهارم، تهران، نشر کتاب هرمس.
- کاظمی، پریسا و بشیری، اکبر (۱۳۹۸). «سازوکارهای تضمین حقوق بنیادین بشر در نظام حقوقی عمومی ایران»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، دوره ۸، شماره ۱۶، بهار و تابستان.

- کدی، نیکی آر، (۱۳۷۵)، ریشه‌های انقلاب ایران، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، قلم.
- کلانتری، ابراهیم، (۱۳۹۴)، ولایت فقیه پرسش‌ها و پاسخ‌ها، قم، دفتر نشر معارف.
- کلانتری، ابراهیم، (پاییز ۱۳۹۳)، «کارآمدی نظام سیاسی مبتنی بر نظریه ولایت فقیه و ابزارهای آن»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۴، شماره ۳.
- کلانتری، ابراهیم، (زمستان ۱۳۹۵)، «الگوی قرآنی مبارزه سیاسی در اندیشه نظری و سیره عملی امام خمینی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۶، شماره ۴.
- لاریجانی، محمدجواد، (۱۳۷۴)، مشروعیت و کارآمدی، تهران، سروش.
- مرتضوی امامی زواره، سید علی؛ اصغر افتخاری؛ حسین هرسیج، (پاییز ۱۳۹۴)، «منابع قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر آیات قرآن»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، شماره ۱۴، تهران، انجمن علمی انقلاب اسلامی ایران.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران، صدرا.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۷)، ختم نبوت، چاپ یازدهم، تهران، صدرا.
- مظاهری سیف، حمیدرضا، (بهمن ۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و نسل سوم»، فصلنامه معرفت، شماره ۹۸، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معینی، صغری، (۱۳۸۶)، فرهنگ واژه‌ها، زیر نظر عبدالرسول بیات، قم، مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی.
- ملکی، عباس، (۱۳۹۷)، چکیده مقالات همایش چهل سال انقلاب اسلامی (بازخوانی گذشته، نگاه به آینده)، تهران، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در امور دانشجویان ایرانی خارج از کشور.
- نصیری، سوناز (۱۳۹۸). «نقش قدرت نرم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی عراق)»، دو فصلنامه مطالعات قدرت نرم، دوره ۹، شماره ۱.